

Socio-Cultural Factors of Violence between Spouses and the Provision of Religious Strategies to Counter It

 **Tahirah Nozari-Niyā** / Level Three, Islamic Studies on Women, Ma'sumiyah Scientific-Educational Institute

womentn64@gmail.com

Isma'il Cheraghi Kowtiyāni / Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research Institute

cheraghi@iki.ac.ir

Received: 2025/04/12 - **Accepted:** 2025/05/18

Abstract

The family institution possesses diverse and numerous functions that fulfill the basic needs of its members across various domains. However, the prerequisite for fulfilling all needs within the family is the organization of this institution. A dysfunctional and disintegrated family cannot function properly as a system. Domestic violence is one of the afflictions that plagues this institution, driving it to the brink of collapse and creating grounds for anxiety and insecurity among family members. One form of domestic violence is violence between spouses. Various factors contribute to the emergence of this harm; some of these factors are individual, while others are cultural and social. This article examines the socio-cultural causes of violence between spouses and strategies to counter it from a religious perspective. The method of data and information collection in this article is documentary and library-based, and a descriptive-analytical method has been used in data processing. The research findings indicate that the most important socio-cultural causes of the occurrence of this phenomenon between spouses include poverty and unemployment, forced marriage, interference of relatives, and lack of familiarity with marital life skills.

Keywords: Violence, domestic violence, family, cultural, social, spouses.

نوع مقاله: ترویجی

عوامل اجتماعی - فرهنگی خشونت بین زوجین و ارائه راهکارهای دینی مقابله با آن

womentn64@gmail.com

cheraghi@iki.ac.ir

کلیده طاهره نودری نیا / ID / سطح سه مطالعات اسلامی زنان مؤسسه علمی آموزشی معصومیه

اسماعیل چراغی کوتیانی / استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳

چکیده

نهاد خانواده دارای کارکردهای گوناگون و پرشماری است که نیازهای اساسی اعضا در ساحت‌های گوناگون را برآورده می‌سازد، اما پیش شرط تأمین همه نیازها در خانواده، سامان‌مندی این نهاد است. خانواده نابسامان و ازهم گسیخته نمی‌تواند به‌عنوان یک نظام، کارکرد درستی داشته باشد. خشونت خانوادگی یکی از آسیب‌هایی است که گریبان این نهاد را گرفته و آن را تا مرز فروپاشی کشانده و زمینه‌ساز ایجاد اضطراب و ناامنی در اعضای خانواده شده است. یکی از گونه‌های خشونت خانوادگی، خشونت بین زوجین است، عوامل گوناگونی در پیدایش این آسیب دخالت دارند. بخشی از این عوامل، فردی و دسته‌ای دیگر، فرهنگی، اجتماعی‌اند. در این نوشتار علل اجتماعی - فرهنگی بروز خشونت بین زوجین و راهکارهای مقابله با آن از منظر دینی مورد بررسی قرار گرفته است. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات در این نوشتار، اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و در پردازش داده‌ها از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که مهم‌ترین علل اجتماعی - فرهنگی وقوع این پدیده در بین زوجین عبارت‌اند از: فقر و بیکاری، ازدواج تحمیلی، دخالت اطرافیان، عدم آشنایی با مهارت‌های زندگی زن‌شویی و

کلیدواژه‌ها: خشونت، خشونت خانوادگی، خانواده، فرهنگی، اجتماعی، زوجین.

مقدمه

خشونت خانوادگی ازجمله آسیب‌هایی است که از دیرباز در برخی خانواده‌ها وجود داشته و مطالعه علل و عوامل آن از سوی اندیشمندان در رشته‌های دانشی گوناگون مورد توجه بوده است. عوامل بسیاری در ساحت‌های گوناگون زندگی، می‌تواند به ظهور و بروز خشونت خانوادگی دامن بزند. از وضعیت‌های روحی و روانی گرفته تا زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. از سوی دیگر، خشونت خانوادگی از سوی طرف‌های درگیر خشونت، به گونه‌های مختلفی همچون خشونت زن و شوهر نسبت به یکدیگر، خشونت والدین نسبت به فرزندان و نیز خشونت فرزندان نسبت به پدر و مادر تقسیم شده است. در یک نگاه کلی نیز علل خشونت به علل فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود.

در آموزه‌های دینی نیز مسئله خشونت در خانواده مورد توجه قرار گرفته است. در آیات و روایات برخی پدیده‌ها به مثابه عوامل خشونت و خشونت خانوادگی معرفی شده‌اند. با توجه به گسترش روزافزون خشونت در خانواده در جهان جدید و لزوم مقابله منطقی و عقلانی با آن، پرسش اصلی این نوشتار سؤال از عوامل اجتماعی - فرهنگی خشونت بین زوجین و نیز راهکارهای مواجهه با آنها از منظر آموزه‌های دینی است. روش گردآوری داده‌های پژوهش به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و برای پردازش داده نیز از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

موضوع خشونت در خانواده با گونه‌های مختلف آن از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده و آثار متعددی در این خصوص به نگارش درآمده است. برخی از این آثار می‌توانند در زمره پیشینه این نوشتار قرار گیرند:

کتاب *مقابله با خشونت خانگی علیه زنان* (سالاری فر و تیبیک، ۱۳۹۰)؛ نویسندگان بعد از تعریف، انواع و پیامدهای خشونت خانگی، زمینه‌ها و علل آن را بررسی کرده‌اند و سپس به اصلاح نگرش و رفتار مردان خشونت‌ورز پرداخته‌اند. این اثر هرچند کوشیده تا به علل و زمینه‌های خشونت خانوادگی بپردازد، اما اولاً تأکید آن بر خشونت مردانه و ثانیاً هدف اصلی آن نیز بیان راه‌های مقابله با این پدیده از منظر روان‌شناختی بوده است، از این‌رو به صورتی گذرا به عوامل پرداخته است.

مقاله «راهکارهای مقابله با خشونت علیه زنان در خانواده با تکیه بر آیات و روایات» (قنبری و شریفی، ۱۳۹۷). در این پژوهش تکیه بر روی ارائه راهکارها بوده و از تبیین عوامل بحثی به میان نیامده است.

مقاله «نگاهی مجدد به خشونت علیه زنان در قرآن کریم» (بستان و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۶)، در دو محور به نگاه قرآن در این زمینه پرداخته است. در این مقاله هم تنها به خشونت علیه زنان پرداخته شده، درحالی‌که در تحقیق پیش‌رو خشونت خانگی در عرصه خشونت بین زوجین بررسی شده، ضمن اینکه به علل خشونت خانگی و راهکارهای آن اشاره نشده و صرفاً نظر اسلام در مورد خشونت بیان شده است.

مقاله «تبیین علل و زمینه‌های خشونت خانگی» (سالاری فر، ۱۳۸۸)، بررسی علل و زمینه‌های خشونت خانگی علیه زنان را معرفی کرده است. در این مقاله نیز صرفاً به خشونت علیه زنان و نه مردان پرداخته است. افزون بر اینکه نویسنده در اثر مذکور تنها به تبیین علل و زمینه‌ها پرداخته و راهکارهای قرآنی و روایی را مورد توجه قرار نداده است.

نوآوری این نوشتار را می‌توان در دو چیز جست‌وجو کرد: (۱) به گستره وسیع‌تری از خشونت خانگی پرداخته است. بدین معنا که در همه پژوهش‌های پیشین صرفاً خشونت مردانه مورد بررسی قرار گرفته است. در این نوشتار، اما خشونت زوجین در مقابل یکدیگر مورد مطالعه قرار گرفته است. (۲) بهره‌مندی از آموزه‌های دینی در تبیین راهکارهای مقابله با خشونت بین زوجین است. افزون بر اینکه پیشنهادها یا از اساس به تبیین علل نپرداخته‌اند و یا صرفاً علل روان‌شناختی را مورد توجه قرار داده‌اند. این نوشتار به تبیین علل فرهنگی و اجتماعی خشونت زوجین همت گماشته است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. خشونت

خشونت از نظر واژه‌شناسی به معنای غضب، درشتی و تندى نمودن، ضد لينت و نرمی است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۵۹۳، حرف خ). در اصطلاح، خشونت عبارت از: «رفتاری است که به منظور ایراد آسیب به دیگری، از شخصی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است» (سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳).

۱-۲. خشونت خانوادگی

خشونت خانوادگی به معنای انواع رفتارهای خشن و سوءاستفاده است که در یک محیط خانوادگی یا در روابط نزدیک رخ می‌دهد. این نوع

دلیل مشکلات مالی احساس ناکامی و شرم می‌کنند، ممکن است خشم خود را با رفتارهای خشونت‌آمیز به اطرافیان‌شان منتقل کنند. تحقیقات گویای آن است که افرادی با شرایط مالی نامناسب بیشتر در معرض خشونت هستند. نتیجه تحقیقات در مورد رابطه خشونت فیزیکی و وضعیت اقتصادی نشان می‌دهد که ۱۴/۷٪ افرادی که از وضعیت اقتصادی نامطلوب برخوردار بودند، مورد خشونت فیزیکی قرار داشتند، در حالی که تنها ۶/۸٪ افرادی که از وضعیت مطلوب اقتصادی برخوردارند مورد خشونت فیزیکی همسران خود قرار گرفته بودند (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۵).

از مطالعه پژوهش‌های متعدد در ایران و سایر کشورها در تحلیل این وضعیت می‌توان به این امر اشاره کرد که افراد شاغل، چون دارای اعتماد به نفس بالاتری هستند، رفتار خشونت‌آمیز کمتری دارند. «هرچه میزان وضعیت اقتصادی فرد بدتر باشد، محدودیت‌های بیشتری داشته و خشونت بیشتری در مورد خانواده، به‌خصوص همسر اعمال می‌کند» (سالاری‌فر، ۱۳۸۸، ص ۲۵). پژوهش‌ها در ایران نیز همسو با پژوهش‌های خارجی نقش وضعیت اقتصادی را بر خشونت مردان تأیید می‌کند. بدین معنا که هرچه موقعیت شغلی و طبقه اجتماعی شوهران پایین‌تر باشد، احتمال بروز خشونت خانگی آنان بیشتر است. مردان با مشاغل کارگری به‌طور معنادار سطوح بالاتری از خشونت خانوادگی را از خود بروز می‌دهند. زنان آنها نیز ۴ برابر زنان طبقه بالا بدرفتاری شوهران را گزارش کرده‌اند (سالاری‌فر، ۱۳۸۸، ص ۲۶). وضعیت بد اقتصادی و تنش‌های روانی ناشی از مشکلات معیشتی و بیکاری می‌تواند به افزایش تنش‌ها در روابط زوجین منجر شده و احتمال بروز خشونت را افزایش دهد. وضعیت فقر و بیکاری گاه ممکن است خودخواسته و ناشی از تنبلی و مسئولیت‌ناپذیری نان‌آور خانواده و گاه در اثر تحمیل شرایط اجتماعی و کساد در بازار کار و یا فقدان بسترسازی نهادهای حاکمیتی برای اشتغال‌زایی باشد. در هر صورت نتیجه آن ممکن است برخی افراد به سوی استفاده از خشونت سوق دهد.

۳-۲. ازدواج تحمیلی

خانواده یکی از نهادهای اصلی در تأمین نیازهای اساسی بشر است. بنای این نهاد مقدس با ازدواج بین زن و مرد شکل می‌گیرد. ازدواج می‌بایست بر پایه اخلاق، محبت و درک متقابل دو انسان شکل گیرد

خشونت می‌تواند به شکل فیزیکی (شامل ضرب و شتم، حمله فیزیکی و دیگر اشکال آسیب بدنی)، عاطفی و روانی (شامل تهدید، تحقیر و کنترل بر زندگی شخصی)، یا جنسی (شامل هرگونه فعالیت جنسی بدون رضایت، و اجبار به رفتارهای جنسی) بروز کند و شامل آسیب زدن به اعضای خانواده یا تهدید آنها می‌شود.

۳-۱. علت

علت به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادی در فلسفه و علوم مختلف نقش مهمی در تبیین و درک پدیده‌ها ایفا می‌کنند. واژه «علت» در واقع به‌معنای چیزی است که منشأ اثر است و در تحقق موجودات و رخدادها تأثیر مستقیم می‌گذارد. به بیان دیگر، علت چیزی است که موجودیت یک چیز به آن وابسته است (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه علل). در اصطلاح فلسفی نیز علت چیزی است که وجود شیء متوقف بر آن، و خارج از شیء و مؤثر در شیء است (صلیبی، ۱۴۰۷، ص ۴۷۷). به تعبیر دیگر، علت، وجوددهنده معلول است و درواقع آن چه معلول از علت اخذ می‌کند، تمام هستی خویش است. پس اگر علت نباشد، معلول نیز نخواهد بود. در نتیجه مفهوم علت پلی است که بین توضیح وجودی یک پدیده و شناخت آن برقرار می‌شود. در این نوشتار نیز علت‌های فرهنگی و اجتماعی خشونت بین همسران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه به تبیین مهم‌ترین علل اجتماعی - فرهنگی خشونت خانوادگی می‌پردازیم.

۲. علل اجتماعی - فرهنگی خشونت خانوادگی

خشونت خانوادگی پدیده‌ای چندوجهی است که دارای علل گوناگون فردی، اجتماعی و خانوادگی است. در ادامه به تبیین علل اجتماعی - فرهنگی پیدایش این پدیده از منظر آیات و روایات پرداخته می‌شود. البته در ضمن بیان عوامل، به راهکارهایی نیز برای از بین بردن این خشونت‌ها اشاره می‌شود.

۳. عوامل فرهنگی و اجتماعی خشونت بین زوجین در خانواده

۳-۱. فقر و بیکاری

شرایط نامناسب اقتصادی و فقر می‌توانند از دلایل اصلی خشونت‌های خانوادگی باشد. بسیاری از موارد خشونت به علت عدم توانایی در تأمین نیازهای اولیه خانواده رخ می‌دهد. وقتی افراد به

خانواده یاری می‌رساند و گاه آنان به ایفای نقش مخرب پرداخته و سامان خانواده را به هم می‌ریزند. وضعیت فرهنگی - اجتماعی برخی کشورها همچون ایران به گونه‌ای است که بین خانواده اصلی و خانواده‌های تازه تشکیل یافته وابستگی زیادی وجود دارد، هرچند این امر در حمایت از خانواده‌ها به‌خصوص زوجینی که تازه ازدواج کرده‌اند، بسیار مؤثر است، ولی گاهی اوقات دخالت‌های بی‌جهت و غیرمنطقی آنها زمینه‌ساز بروز مشکلات خانوادگی می‌شود. بر اساس پژوهش‌ها ۲۷ درصد زوجین متقاضی طلاق در ایران، علت طلاق را دخالت نابه‌جای خویشاوندان اعلام کرده‌اند. این درصد در مورد مردان متقاضی طلاق ۳۳ درصد و زنان متقاضی طلاق ۲۴ درصد است (فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۲۰۸-۲۱۰)، اما در مورد بحث خشونت خانگی زوجین نیز دخالت خویشان نقش مؤثری دارد، به گونه‌ای که مشاوران در ایران در بیشتر موارد پس از ترسیم چرخه خشونت متوجه می‌شوند که خشونت بعد از بازگشت شوهر از خانه خویشان صورت می‌گیرد» (کار، ۱۳۷۹، ص ۵۱۹). نوع نگاه زن و مرد به دخالت دیگران در زندگی و ایجاد زمینه دخالت برای خانواده‌های زوجین از سوی هر کدام از آنها، می‌تواند به افزایش بسامد و شدت دخالت اطرافیان کمک کرده و این امر بر احتمال وقوع خشونت و هم افزایش آن تأثیر بسزایی دارد.

۳-۴. عدم آشنایی با مهارت‌های زندگی زناشویی

یکی از عوامل موفقیت در ازدواج، آشنایی با مهارت‌های ارتباطی بین زوجین در زندگی می‌باشد. مهارت‌های ارتباطی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد و با افزایش این مهارت‌ها رضایت زندگی افزایش می‌یابد (ابراهیمی و جان‌بزرگی، ۱۳۸۷). روشن است که ارتباط صمیمانه در زندگی زناشویی می‌تواند لذت‌بخش‌ترین تجارب را برای انسان رقم بزند. عشق با امید آغاز می‌شود، امید به زندگی خانوادگی نیرو داده و زوجین را یاری می‌دهد تا در مواجهه با سختی‌های زندگی با قدرت بیشتری ایستادگی کنند، اما گاه این امیدها به خاطر عدم آشنایی با مهارت‌های ارتباطی فرو می‌ریزد. برای نمونه یکی از عوامل مهم تحکیم پایه‌های خانواده گذشتن و ندیدگرفتن لغزش‌های دیگر اعضاست. هر فردی قبل از آنکه ازدواج کند، باید با این گونه مهارت‌ها آشنا باشد، وگرنه با کوچک‌ترین اختلاف سلیقه‌ای از جانب همسر عصبانی شده، ممکن است نتواند

تا بتواند ضمن تأمین نیازها، انسان را به خوشبختی برساند. اولین گام در ازدواج، انتخاب همسر می‌باشد. اجبار در انتخاب همسر، نه تنها به برآوردن نیازها کمک نمی‌کند، بلکه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان و مردان را با آسیب‌های جدی مواجه می‌سازد.

در ادامه به چند نمونه از آسیب‌های ازدواج اجباری اشاره می‌شود: یکی از آسیب‌های ازدواج اجباری، به‌ویژه برای زنان بروز روحیه پرخاشگری است، این اندیشه که نتوانسته‌اند در پرتو زندگی مشترک به احساس خوشبختی و سعادت دست یابند، آنها را به سوی انتخاب پرخاشگری، به‌مثابه سازوکاری دفاعی سوق می‌دهد. گاه ازدواج اجباری به نارضایتی فرد از زندگی فردی و خانوادگی منجر شده و در نهایت به سوی خودکشی جهت رهایی از شرایط نامناسب زندگی می‌کشاند. این نوع ازدواج از عوامل مؤثر در بروز خشونت خانوادگی در ایران است. عبدی‌پور (۱۳۷۹) در پژوهش خود در مورد «زنان کتک‌خورده در اصفهان و پلدختر» به این نتیجه رسید که ۹۰ درصد خانواده‌هایی که در آنها خشونت دیده شده، دارای ازدواج اجباری بوده‌اند. بیشتر اوقات، ازدواج تحمیلی تفاهم بین زن و شوهر را دچار مشکل می‌کند و از میزان رضایت آن دو می‌کاهد. این‌گونه مراودات زمینه‌ای برای بروز خشونت محسوب می‌شود.

پژوهش هاشمی‌نسب (۱۳۸۵)، نشانگر آن است که رابطه بین دو متغیر خشونت فیزیکی خانگی و ازدواج اجباری معنادار است، به‌طوری که زنانی که به اجبار ازدواج کرده‌اند در ۲۳/۵ درصد موارد و زنانی که با رضایت خود ازدواج کرده‌اند در ۷/۸ درصد موارد، تحت خشونت فیزیکی همسرانشان قرار گرفته‌اند.

این گونه ازدواج‌ها به دلیل فقدان پشتوانه عاطفی ریشه‌دار به اندک بهانه‌ای گسل برداشته و زمینه برای اختلافات، کشمکش‌ها، عقده‌واکردن‌ها و در نهایت بروز خشونت‌های کلامی و فیزیکی را فراهم می‌آورد. بنیان ازدواج بر عواطف و احساسات انسانی است. عواطف نیز تحکیم‌پذیر نیستند، از این‌رو قرار گرفتن دو انسانی که از یک‌سو هیچ تعلق خاطر عاطفی به یکدیگر ندارند، و از سوی دیگر، زمینه واگرایی در بین آنان از درجه بالایی برخوردار است، به‌معنای تولید فضایی مستعد برای خشونت‌های خانوادگی است.

۳-۳. دخالت خویشاوندان

خویشاوندان و اطرافیان زوجین نقشی دوگانه در زندگی خانوادگی آنان ایفا می‌کنند. این نقش گاه به صورت مثبت بوده و به استحکام

بسیار بیشتر از گفتارشان بر روی فرزندان تأثیر دارد. دیدن رفتارهای خشونت‌آمیز از سمت پدر و مادر نسبت به یکدیگر یک الگوی نامناسب برای فرزندان است در زندگی آینده‌شان. والدین باید توجه داشته باشند که صدای اعمالشان بسیار بلندتر از صدای گفتارشان است و فرزندان در تقلید از عملکرد آنها بسیار دقیق و بی‌اشتباهند.

۳-۴. باورهای ناروا درباره نقش‌های جنسیتی

باورهای ناروا در میان خانواده‌ها در خصوص نقش‌های جنسیتی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی خشونت خانوادگی است. فهم و انتظارات سستی از مردان به‌عنوان «سرپرست و سالار» و زنان به‌عنوان «خانه‌دار و تابع» می‌تواند بسترساز سوءاستفاده از قدرت و زمینه‌ساز بروز خشونت شود. مردان با این فهم از نقش مردانه، ممکن است احساس کنند حق دارند بر زنان کنترل داشته و از خشونت برای اعمال این کنترل استفاده کنند. برداشت‌های غلط از قیمومیت مرد و جواز خشونت مرد بر زن و عدم قصاص پدر، از عوامل برخی خشونت‌های خانوادگی خوانده می‌شود. خشونت‌گران در توجیه کارهای خشونت‌آمیزشان ممکن است به برداشت‌های غلط از ظواهر متون دینی برای توجیه کنش‌های خشونت‌آمیز خود دست بزنند. مثلاً در آیات قرآنی در مواجهه با زن ناشزه و نافرمان که از عمل به تعهدات خود سر باز می‌زند، به مردان گفته شده است: «آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید! و در بستر از آنها دوری نمایید و آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند راهی برای تعدی بر آنها نجوید» (نساء: ۳۴). این در حالی است که تنبیه زن، نه زدن معمول و اعمال خشونت جسمی و روحی، بلکه تلنگری آگاهی‌بخش (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، ص ۴۰۵؛ ابن‌براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۶۴) و آن هم در موارد محدود و خاص است که زن نافرمانی (نشوز) کرده و از عمل به تعهدات حقوقی خود نسبت به همسرش سر باز زده باشد. فلسفه این تلنگر هم آن است که زن با عدم پایبندی به تعهدات حقوقی، خانواده را تا آستانه فروپاشی می‌برد. در صورت کنترل نکردن این‌گونه زنان، ممکن است وضع بدتر شده و کار به طلاق یا قتل کشیده شود (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۱). بنابراین اسلام اعمال خشونت نسبت به زنان را به‌هیچ‌وجه جایز نمی‌شمارد و باورهای نادرست ریشه‌ای در دین مبین اسلام ندارند، بلکه بر هوا و هوس مردانی استوارند که شناخت کافی نسبت به دین ندارند.

خشم خود را کنترل کند و دست به اعمال خشونت‌آمیز نزند. عدم تحمل نامالایمات و مشکلات و ضعف در مهارت‌های ارتباطی به رابطه محبت‌آمیز زناشویی آسیب زده، دامنه اختلافات زناشویی را گسترده‌تر کرده و با کوچک‌ترین اختلاف نظری زمینه برای بروز رفتارهای توأم با خشونت را فراهم می‌آورد. فقدان مهارت‌های زندگی باعث می‌شود که زن و مرد با بروز کوچک‌ترین اختلاف، آشفته شده و محیطی ناامن و سرشار از رفتارهای خشونت‌آمیز برای یکدیگر رقم زنند. زوج‌هایی که مهارت‌های ارتباطی ضعیفی دارند، ممکن است در حل اختلافات دچار سردرگمی شده و به‌جای حل مسئله از مسیر عقلانی آن به خشونت متوسل شوند.

۳-۵. یادگیری رفتار خشونت‌آمیز

یکی از نظریه‌ها در تبیین کنش‌های کجروانه، نظریه یادگیری اجتماعی می‌باشد. بر اساس این نظریه افرادی که کنش‌های کجروانه از خود بروز می‌دهند، معمولاً این رفتار را از دیگران یاد گرفته‌اند. در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا بر این نکته تأکید شده است که عامل اکتساب بسیاری از رفتارها مشاهده است (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹). شخصی که پیش از ازدواج در خانواده‌ای رشد پیدا کرده که در آن خشونت بین پدر و مادر رخ داده است، احتمال انجام این رفتار از او نسبت به همسرش افزایش پیدا خواهد کرد. بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی خانواده نقش آموزش الگوهای خانوادگی از خانواده اصلی را تأیید کرده‌اند. اشتراوس و همکارانش، مراحل یادگیری خشونت را از طرف خانواده‌ها این‌گونه بیان می‌کنند:

۱) فرد می‌آموزد افرادی که یکدیگر را دوست دارند، نیز می‌توانند نسبت به هم رفتار خشونت‌آمیز داشته باشند.

۲) نبود منع اخلاقی باعث خشونت نسبت به بقیه افراد خانواده نیز خواهد شد.

۳) افراد می‌آموزند در صورتی که نتوان از راه‌های دیگر مشکلی را حل کرد، می‌توان به استفاده از خشونت مجاز فکر کرد. از این رو خانواده مکانی برای مشاهده، تمرین و تجربه‌آموزی و رفتار خشن می‌شود (اعزاز، ۱۳۸۰، ص ۶۱).

تحقیقی در مورد همسرآزاری نشان می‌دهد مردانی که در کودکی در خانواده شاهد کتک خوردن مادران خود بودند، بیشتر رفتار خشونت‌آمیز انجام می‌دهند (نازپرور، ۱۳۷۶). بنابراین رفتار پدر و مادر

۴-۱. قناعت در زندگی

در بررسی علل اجتماعی خشونت زوجین گفته شد که فقر و بیکاری در شمار این دسته از علل است. بر این اساس یکی از راهکارهای مقابله با خشونت خانگی، قناعت‌ورزی در زندگی است. قناعت در لغت به معنای تنازل است تا آنجا که فرد زندگی خود را با امکاناتی که در دست دارد، منطبق سازد، از مصادیق آن رضایت دادن به چیزی است که به او می‌رسد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۳۲۷). اهمیت قناعت در زندگی به حدی است که امام زین‌العابدین علیه السلام در پاسخ به فردی که از ایشان جویای برترین اعمال شده بود، فرمودند: «برترین عمل این است که انسان به آنچه در دست اوست، قانع باشد» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۲۳۲). در زمانه‌ای که مشکلات اقتصادی گریبان‌گیر خانواده‌هاست و اکثر آنها با این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند، یکی از بحث‌های ضروری در زندگی، قناعت کردن است که مبادا به خاطر کنش‌های مسرفانه و زیاده‌روی در مصرف یا تجمل‌گرایی فشاری به سرپرست خانواده وارد آمده و او قادر به تأمین هزینه‌های زندگی نباشد؛ زیرا در این وضعیت آستانه تحملش به شدت پایین آمده، با کوچک‌ترین تنشی به هم ریخته و رفتار خشونت‌آمیز از خود بروز می‌دهد. می‌توان گفت بعد از تجمل‌گرایی یکی از دلایلی که باعث می‌شود سطح رضایت از زندگی پایین بیاید، حرص زدن انسان است؛ آدمی به دلیل اینکه فکر می‌کند هرچه بیشتر داشته باشد، رضایتمندی زیادتری خواهد داشت، حرص می‌زند. «اگر شناخت خود را اصلاح کند و بداند احساس رضایت چیزی نیست که آن را از بیرون به دست آورد، بلکه باید نوع نگاه خود را اصلاح کند، کمتر حرص خواهد زد» (حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱). با حرص زدن و به دنبال آن دنبال مال و ثروت دویدن نتیجه‌اش داشتن آرامش کمتر است که در این صورت آستانه تحمل فرد پایین آمده و تحمل کوچک‌ترین نظر مخالفی با خود را ندارد و در مقابل آن عصبانی شده و اعمال خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهد. اولین ثمره قناعت در بهره‌مندی از زندگی، آسایش و راحتی است، برای کسی که دارای این ویژگی است. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله قناعت را عین راحتی دانسته و فرموده‌اند: «قناعت راحتی است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱). هنگامی که فرد به آنچه در اختیار دارد، اکتفا می‌کند و زندگی خود را با در نظر داشتن امکانات موجود، اداره

به‌هرحال، مجبور کردن زنان به انجام همه امور خانه و کمک نکردن به او، مشورت نکردن با او به‌طوری‌که در تصمیم‌گیری‌های امور خانه به حساب نیاید، امور زندگی را از او پنهان کردن، دستور دادن و در صورت عدم اجرا داد و فریاد به راه انداختن، جلوگیری از اظهارنظر دیگران و... که گاه از آنها به‌عنوان مردسالاری یا پدرسالاری یاد می‌شود (سالاری‌فر، ۱۳۹۷، ص ۱۸۶) ریشه در باورهای نادرستی دارد که با بالا بردن انتظارات نامعقول از همسر در خانواده، بستر را برای بروز خشونت خانگی فراهم می‌آورند. این وضعیت چهره خشنی از مرد خانواده ارائه می‌دهد که همواره با ورودش به خانه آتش خشم و خشونت را روشن کرده و از اعضای خانواده سلب آرامش می‌کند. از این رو روشنگری پیرامون نقش‌های زنانه و مردانه از منظر آموزه‌های دینی و اصلاح باورهای ناروا در این خصوص و تشویق همسران به درک درست از نیازها و خواسته‌های یکدیگر، در کاهش خشونت‌ها تأثیرگذار است.

۳-۷. فرهنگ سکوت

در خانواده امروزی، بروز خشونت خانگی در گونه‌های متنوع آن یک واقعیت اجتماعی غیرقابل انکار است. با این همه، اما در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها، قربانیان خشونت خانگی به دلیل ترس از انگ اجتماعی یا عدم حمایت و یا به هر دلیلی دیگری ترجیح می‌دهند که سکوت اختیار کرده و بر روی این مسئله سرپوش گذاشته و از واگویی آن به خانواده خود و یا نهادهای مسئول سر باز می‌زنند، اما بدیهی است که با صرف سکوت، مسئله خشونت نه تنها کاهش پیدا نمی‌کند، بلکه این سکوت می‌تواند به چرخه خشونت دامن زده و بر کیفیت و کمیت آن بیفزاید.

به عقیده برخی حقوقدانان، مردانی که بر زنان یا به‌عکس خشونت را اعمال می‌کنند، همانند دیگر انسان‌ها از مجازات، رفتاری‌های قضایی و از بین رفتن آبروی خود ترس دارند، اما به جهت اطمینان از سکوت زنان در برابر خشونت به خود اجازه تداوم آزار و اعمال خشونت بر سایر زنان را می‌دهند (سجادی، ۱۳۹۵).

۴. راهکارهای دینی مقابله با خشونت بین زوجین

برای خشونت‌های بین زوجین که ریشه فرهنگی و اجتماعی دارد، راهکارهایی در آیات و روایات بیان شده است که در ذیل به بررسی برخی از این راهکارها پرداخته می‌شود.

می‌کند، سختی بسیاری از امور همچون فعالیت‌های طاقت‌فرسا، نگرانی از کمبودها، اظهار نیاز به دیگران و عصبانی شدن‌های بیجا و... را از خود دور می‌سازد. برخی افراد با دیدن وضع زندگی دیگران زود برانگیخته می‌شوند و به چشم و هم‌چشمی رو می‌آورند. در مقابل، افرادی هستند که برانگیختگی آنها پایین است و به زودی از ناحیه دیگران تحریک نمی‌شوند. «روشن است که احساس کمبود فرد را به زندگی موجود خویش بی‌علاقه می‌کند و بدون توجه به ویژگی‌های مثبت زندگی خود، همواره حسرت زندگی دیگران را می‌خورد. این حسرت، هم خود فرد و هم زندگی مشترک را دچار تزلزل می‌سازد (حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

رسول اکرم ﷺ در این باره فرموده‌اند: «هر کس چشم به دنبال آنچه در دست مردم است بدوزد، اندوهش فراوان گردد و سوز دلش درمان نپذیرد» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۶). از این رو قناعت‌پیشگی به عنوان یکی از اصول اخلاقی مورد تأکید در آموزه‌های اسلامی، راهکاری برای تقویت معنویت، آرامش درونی و کاهش مشکلات اجتماعی و اقتصادی است. اسلام انسان‌ها را به قناعت و رضایت به آنچه که خداوند برایشان مقدر کرده تشویق می‌کند و این اصل را نه فقط یک شیوه زندگی فردی، بلکه یک راهبرد کاربردی برای بهبود ارتباطات اجتماعی و رفع آفات روحی همچون چشم و هم‌چشمی و حرص‌زدگی معرفی می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرمایند: «مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۳۹)؛ هر کس به آنچه خداوند روزی‌اش کرده راضی باشد، از بی‌نیازترین افراد است. این روایت نشان می‌دهد که غنای حقیقی در قناعت نهفته است. در همین زمینه توکل به خدا و باور به رزاقیت خداوند، ترویج فرهنگ ساده‌زیستی و ارزش‌گذاری بر معنویات، تقویت شکرگزاری و رضایت از نعمت‌ها، آموزش و ترویج نگرش آخرت‌گرایانه، بازاندیشی در مقایسه‌های اجتماعی در شمار اموری هستند که ضمن تقویت روحیه قناعت‌ورزی، زمینه بروز خشونت در خانواده را کاهش می‌دهد.

۴-۲. رعایت عدالت در تعاملات بین همسران

خانواده چندهمسری یکی از گونه‌های خانواده در جهان است. در این دست از خانواده‌ها اغلب رابطه بین زنان رقابت‌آمیز است. از این رو

رعایت اصل عدالت و اعتدال در این گونه خانواده‌ها از ضرورت بیشتری برخوردار است. این اصل به معنای رعایت عدالت در تمام امور مرتبط با همسران است؛ به گونه‌ای که هیچ‌یک از آنها احساس ظلم و بی‌عدالتی نکنند. رعایت این عدالت هم از نظر مادی، همانند نفقه و هدایا، و هم از نظر معنوی، همانند تقسیم محبت و توجه ضروری است. در سایه این اصل است که تعادل در روابط خانوادگی برقرار شده و زمینه برای پیدایش محبت و احترام متقابل فراهم می‌شود؛ زیرا وقتی عدالت در توزیع مادی و عاطفی رعایت شود، حس تبعیض و رقابت میان همسران به حداقل می‌رسد و از ایجاد حسادت یا کینه‌ای که می‌تواند منجر به درگیری شود، جلوگیری می‌شود. با رعایت اعتدال هم اختلاف بین همسران کم می‌شود، هم اختلاف بین هر همسر با مرد خانواده. در این صورت است که برخوردها و رفتار خشونت‌آمیز در بینشان کمتر رخ می‌دهد. در قرآن کریم درباره تعدد زوجات و آداب آن شرایطی بیان شده است که با رعایت این شرایط خشونت در این خانواده‌ها راه پیدا نمی‌کند: «و اگر بیم دارید که [در صورت ازدواج با دختران یتیم] عدل و انصاف را رعایت نکنید، از دیگر زنان که مورد پسند شمایند، دو یا سه یا چهار تن را به همسری گیرید و اگر بیم دارید که نتوانید عدالت را [میان چند همسر] رعایت کنید تنها یک زن را به ازدواج خویش درآورید... این برای ستم نکردن به آنان و رعایت حقوقشان نزدیک‌ترین راه است» (نساء: ۳). خداوند در این آیه پس از تجویز تعدد زوجات، آن را به عدالت‌ورزی میان همسران وابسته می‌کند. عدالت مورد نظر در آیه، به رعایت حقوق همسران ناظر است. رعایت حق قسم زنان از بروز احساسات منفی و اتهام مرد به علاقه و میل بیشتر به یک زن جلوگیری می‌کند. همچنین اگرچه هر زن بنا بر شأن خود حق نفقه دارد (سربازیان و برزگر، ۱۳۹۶)، مستحب است که مرد در انفاق میان زنان تساوی را رعایت کند. فقها تأکید می‌کنند که رعایت تساوی میان همسران از نظر توجه و التفات، خوش‌رویی و حتی نزدیکی مستحب است (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۵). در آداب همسرمداری پیامبر اکرم ﷺ آمده است که حضرت حتی اگر بیمار می‌شدند دستور می‌دادند که رختخوابشان را میان منازل همسران ببرند و هر شب را نزدیک یکی باشند و اگر نمی‌توانستند از زنان اجازه می‌گرفتند که تنها در خانه یکی از آنان مستقر باشند (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۳۶۰). نکته مهمی که در روایات مربوط

بپرهیز؛ زیرا همنشینی با او مایهٔ اندوه و بلا و فرزندش نیز مهمل و بدبخت است» (کوفی، ۱۴۰۵ق، ج ۵ ص ۹۲). بنابراین انتخاب همسر نقش بسزایی در کاهش خشونت دارد؛ چراکه سنگ‌بنای زندگی مشترک انسان با این قضیه گذاشته می‌شود.

۴-۴. معاشرت به معروف

هر انسانی هنگامی که به زندگی مشترک وارد شد باید دسته‌ای از مهارت‌ها را بیاموزد تا بتواند زندگی خود را مدیریت کرده و تا جایی که می‌تواند از بروز اختلاف و به دنبال آن خشونت جلوگیری کند. معاشرت نیکو با همسر یکی از این مهارت‌هاست. بر اساس آموزه‌های قرآنی یکی از وظایفی که مرد در قبال همسر خود دارد، این است که با او حسن معاشرت داشته باشد. آیه ۱۹ سورهٔ نساء: «وَوَ غَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» اشاره به همین حقیقت دارد. در روایات نیز با بیان‌های گوناگون به این موضوع اشاره شده است. در روایتی پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «بهترین شما، بهترین برای همسر و فرزندان خویش است؛ و من بهترین شما برای زن و فرزندان خود هستم» (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۵۵). بر اساس این روایت اگر کسی برای همسر خویش بهترین باشد، به این معنا که بهترین و خوش‌اخلاق‌ترین و خوشرفتارترین باشد، از همه بهترین است، در این صورت است که کمترین اختلاف و خشونت پیش می‌آید. در حدیث دیگری امیرالمؤمنین علی ﷺ در وصیت خود به محمد حنفیه می‌نویسد: «با بانوی خود خوش صحبت باش، و برای او همراه خوبی باش، چه در گفتار و چه در کردار، تا عیش تو خالص گردد» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۱۲۸). در این روایت حضرت مصادیقی برای حسن معاشرت بیان می‌کند که اگر کسی با همسران خود، خوش صحبت باشد و همراه خوبی برای او باشد، این نشان‌دهنده حسن معاشرت اوست، در این صورت است که بین آنها مشکلی پیش نمی‌آید و اختلاف‌ها خودبه‌خود رفع می‌گردد و کار به اعمال خشونت کشیده نمی‌شود.

البته این دستور صرفاً بیانگر وظیفهٔ مردان نسبت به زنان نیست، بلکه زنان نیز باید با همسران خود حسن معاشرت داشته باشند. رشید رضا می‌نویسد: در مفهوم «معاشرت» مشارکت و برابری نهفته است؛ یعنی مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار

به تعدد زوجات آمده، رعایت عدالت در آمیزش هم می‌باشد. اگر مردی بیش از یک زن داشته باشد، باید به نیازهای جنسی آنان توجه کند. حضرت در ادامهٔ روایت بالا به طور دقیق به مسئلهٔ ضرورت عدالت اشاره کرده‌اند و ممنوعیت ازدواج مجدد را برای چنین مردی به آیه «وَإِنْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاجِدَةً» (نساء: ۳) مستند کرده‌اند.

۴-۳. دقت در انتخاب همسر مناسب و بالایمان

برای آغاز یک زندگی مشترک و رسیدن به آرامشی که کارکرد خانواده است، لازم است در هنگام انتخاب به برخی امور با دقت بیشتری توجه شود تا مبدا زندگی به گونه‌ای شکل بگیرد که محل تنش و دعوا و اعمال خشونت شود. یکی از مهم‌ترین امور در این خصوص، انتخاب همسری مناسب است. این مسئله به قدری اهمیت دارد که در روایت است: برای انتخاب همسر و عقد ازدواج ابتدا از خداوند طلب خیر کن، سپس دو رکعت نماز بخوان و ثنای خداوند توانا و بلند مرتبه را بگو و پس از آن، این دعا را بخوان: «بار خدایا! مرا همسری نیک و مهربان و زایا و سپاسگذار و قانع و پاکدامن روزی فرما!...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۶۸).

در انتخاب همسر بیشتر از هر چیز اصالت خانوادگی اهمیت دارد. شخصی که شاهد رفتارهای خشونت‌آمیز پدر و مادر در خانواده بوده است، گزینهٔ مناسبی برای ازدواج نمی‌باشد. پیامبر اکرم ﷺ جوانان را از ازدواج با خانواده‌های پست نهی کرده است: «بپرهیز از گلی که در مزبله و لجنزار روییده است. گفتند: یا رسول‌الله! گلی که در مزبله روییده است چه گلی است؟ فرمودند: زن زیبا و باجمالی که در خانواده پست و پلید رشد یافته است» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۳۳۲). علاوه بر شرایطی که برای انتخاب همسر وجود دارد، از ازدواج با دسته‌ای از افراد هم نهی شده است. اگر انسان با چشم بسته و بدون توجه به معیارهای دینی انتخاب همسر برای زندگی آینده شریک انتخاب کند، ناخواسته کارکردهای منفی این انتخاب نادرست از جمله خشونت دامنگیر زندگی خانوادگی او خواهد شد. برای نمونه فردی که نادان است و نمی‌داند در برابر مشکلات زندگی چگونه بایستد و صبوری به خرج دهد و با کوچک‌ترین اختلافی شروع به دعوا و اعمال خشونت‌آمیز کند، مناسب برای زندگی مشترک نبوده و دل بستن به او عاقبت خوبی ندارد. امام صادق ﷺ از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده است که فرمودند: «از ازدواج با احمق

کنند و زنان نیز می‌باید با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند (رشیدرضا، ۱۳۷۳ق، ج ۴، ص ۴۵۶).

بنابراین وقتی که در خانه بین زن و شوهر معاشرت به معروف وجود داشته باشد، دیگر نسبت به یکدیگر خشونت به خرج نمی‌دهد و در بسیاری موارد جلوی خشونت‌های خانگی گرفته می‌شود؛ زیرا معاشرت نیکو مانع بسیاری از برخوردهایی است که منجر به اعمال خشونت می‌شود.

یکی از مصادیق معاشرت نیکو رفق و مدارا کردن همسران با یکدیگر است که در آموزه‌های دینی پیوسته مورد تأکید بوده است. مدارا در لغت به معنای رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه مدارا)؛ یعنی برخورد ملایم و آرام، مصاحبت نیکو و دوری از تندى و شدت در روابط است. بردباری نیز در مفهوم مدارا نهفته است (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴). مرد در هر صورت لازم است با همسرش به آرامی، مهربان و با محبت رفتار کند. در سخن پیشوایان دینی بر این نکته تأکید شده است که «کسی که در واکنش به اخلاق بد همسرش بردباری پیشه سازد، خدا ثواب شکرگزاران را به او عطا می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰، ص ۱۷۶). به زنان نیز درباره رفتار مناسب با شوهر سفارش‌های فراوانی شده است. مدارای زن با شوهر به این برمی‌گردد که در برخورد با او ملایم باشد، در مراقبت با او آسان بگیرد و او را به انجام کارهایی که بیش از توانش است مجبور نکند. اولیای دین به زنان تأکید می‌کنند که در برابر غیرت مردان صبور باشید، عذرهای او را بپذیرید، و حتی از خطاهای جزئی او بگذرید. در روایات اسلامی شوهرداری صحیح، در ردیف سخت‌ترین تکالیف دینی، یعنی جهاد در راه خدا و با تعبیر «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۵۰۷) یاد شده است. بی‌شک داشتن روحیه مدارا در زن و شوهر در زندگی در برابر یکدیگر تنش‌ها و اختلاف‌های بین آنها را کاهش می‌دهد و زمینه‌ای برای بروز خشونت باقی نمی‌گذارد.

۴-۵. پذیرش نقش مدیریتی مرد در خانواده

مسئله مهمی که لازم است در مبحث خانواده و روابط زناشویی مورد توجه قرار گرفته شود، مدیریت خانواده است؛ زیرا مدیریت و رهبری یک ضرورت اجتماعی است. مجموعه‌های انسانی بدون مدیریت، سامان نمی‌گیرد و بی‌نظمی و هرج و مرج آنها را فرو می‌پاشد.

خانواده هم که سلول اولیه پیکره اجتماع است، بدون مدیریت اصولی و صحیح سامان نخواهد یافت. ضرورت و اهمیت این مسئله آنچنان آشکار است که رسول خدا ﷺ در هر اجتماع دو سه نفری بر مدیریت یک نفر تأکید می‌ورزد و می‌فرماید: «هرگاه سه نفری مسافرت کنید، یکی را مدیر قرار دهید (فیض کاشانی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸). مدیریت خانواده از نظر دین اسلام بر عهده مرد است. قرآن و روایات بر این نکته تأکید داشته و می‌گویند: زنان شایسته پیرو همسر می‌باشند: «مردان سرپرست زنان‌اند، به سبب برتری‌هایی که خداوند برای بعضی بر بعضی قرار داده است و به دلیل آنکه عهده‌دار معیشت خانواده‌اند» (نساء: ۳۴).

اگر مادران در خانه این اقتدار و سرپرستی پدران را بپذیرند و آن را به فرزندان خود نیز یاد بدهند، بسیاری از مشاجرات خانوادگی از بین می‌رود. در موارد زیادی علت خشونت مردان در خانواده، ناسازگاری عدم اطاعت زنان بوده است که به مرور زمان رفتار آنها را به سمت خشونت سوق داده است. روحیه مردان چنان است که اگر ببینند در خانه اقتدارشان شکسته شده یا توان مدیریتی‌شان ضعیف شده برای حفظ اقتدار خود ممکن است به خشونت متوسل شوند. بنابراین اگر زنان به نقش مردان در مدیریت خانواده را بپذیرند و استلزامات آن را رعایت کنند، زمینه‌های خشونت نیز محو پدیدار نخواهد شد. آنچه این پذیرندگی را در زنان تقویت می‌کند توجه به این واقعیت است که اگر دین زن را به پذیرش مدیریت حمایتگرانه مردان فراخواند، براساس واقعیت‌های تکوینی و هستی‌شناختی اوست.

۴-۶. گسترش فرهنگ مشورت در خانواده

مدیریت خانواده از سوی دین به مردان سپرده شده است، اما این بدان معنا نیست که مرد هرگونه بخواهد مدیریت خود را عملی سازد. مدیریت بدون اخلاق و بدون مشورت با سایر اعضای خانواده نتیجه‌ای جز استبداد و خشونت‌آمیز به دنبال نخواهد داشت. مدیر موفق فردی است که در اداره امور با افراد مجموعه خود مشورت کند و از خودمحوری بپرهیزد تا آرامش در کانون خانواده حکمفرما شود.

مدیران در اعمال مدیریت دو گونه‌اند: (۱) مدیرانی که استبداد به رأی دارند و همین موجب آسیب و زیان آنهاست؛ زیرا هر کس فقط به آنچه خودش می‌اندیشد عمل کند و به نظرگاه دیگران

افزون بر کارکردهای پیشین مشورت، کارکرد دیگر آن این است که با مشورت به طرف مشورت خود شخصیت داده می‌شود. از این جهت مشورت در خانواده بسیار مهم است. از منظر عقلانی نیز خرد حکم می‌کند که برای ایجاد و نگهداشت دوستی و صمیمیت بین همسران در انجام امور مهم شخصی و خانوادگی با یکدیگر مشورت کنند و پس از دستیابی به تصمیم واحد، دست به عمل بزنند. تصمیم‌گیری‌های یک‌جانبه در طرف مقابل احساس پوچی را به وجود می‌آورد. احساس می‌کند که در اداره خانه جایگاهی ندارد. بدیهی است همین احساس - که گاه از آن به احساس محرومیت نسبی یاد می‌شود - (گر، ۱۳۷۷، ص ۳۴) او را وادار می‌کند به سمت بی‌مهری و انزوا کشانده شود و به تدریج شکاف و جدایی بین آن دو حکمفرما گردد.

از آنچه گفته شد فهمیده می‌شود اگر مردان مدیریتی توأم با مشورت با اعضای خانواده خصوصاً همسر خود داشته باشند، هم تصمیمات عاقلانه‌تری می‌گیرند و هم به خاطر شریک قرار دادن آنها در تصمیمات زمینه عصبانیت و خشونت در خانواده را از بین می‌برند و روح آرامش و عشق و محبت را به فضای خانه تزریق می‌کنند.

۴-۷. پرهیز از ازدواج‌های تحمیلی

شرط موفقیت یک ازدواج، علاقه و تمایل قلبی (دختر و پسر) می‌باشد. اگر هریک از آنها از ابتدا با ازدواجشان موافق نباشد، طبیعی است که نمی‌تواند همسر خوبی برای دیگری باشد. زبان‌های ناشی از ازدواج تحمیلی به آسیب‌های فردی منحصر نمی‌شود و به کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده سرایت نموده و روابط عاطفی میان زوجین را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. درواقع زندگی اجباری با فردی که هیچ علاقه‌ای به او وجود ندارد، بی‌تردید موجب نارضایتی از زندگی زناشویی می‌شود.

محققان در طی مطالعات خود دریافته‌اند همسرانی که با رضایت و شادمانی ازدواج کرده‌اند، نسبت به همسرانی که زندگی زناشویی را با اکراه و اجبار و تحمیل آغاز کرده‌اند، به میزان کمتری از سخنان مخالف، تند و پرخاشگرانه استفاده می‌کنند و بیشتر به گردآوری اطلاعات درباره موضوع مورد اختلاف جهت

هرچند صحیح‌تر کاری نداشته باشد، زمینه زبان خود را فراهم آورده است. ۲) مدیرانی هستند که اهل مشورت با دیگران هستند. این دسته با بهره‌مندی از دانش دیگران، احتمال خطا و آسیب به خود و دیگران را کاهش می‌دهند، مدیرانی موفق هستند. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: عقل امام موسی بن جعفر علیه السلام بسیار برتر از عقل مردم و یک عقل برتر بود، ولی با این همه عظمت عقلی، چه بسا با غلامی سیاه مشورت می‌کردند، به حضرت اعتراض می‌شد که چرا با این سیاه مشورت می‌کنید؟ حضرت فرمودند: چه بسا خداوند حق را با زبان همین جاری می‌کند (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۲۱۱). از این رو مشورت در اسلام از ارزش والایی برخوردار است و در قرآن و احادیث بدان سفارش شده است. خداوند متعال در قرآن به پیامبرش می‌فرماید: ای پیامبر در کارهایت با مؤمنان مشورت کن و هنگامی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن (آل عمران: ۱۵۹). درباره مؤمنان می‌فرماید: «مؤمنان کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند (شوری: ۳۸). از فواید مشورت کردن، یکی استفاده کردن از عقل دیگران است، چنان که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است: «کسی که با دیگران مشورت کند در خرد آنها شریک است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، باب ۱۶۳، ص ۳۸۲). ممکن است گاه مرد خانواده برای انجام کاری نتواند به تنهایی به نتیجه‌ای برسد و بدون مشورت تصمیم غلطی بگیرد که منجر به اختلاف و کشمکش بین زن و مرد شود و زمینه را برای برافروختن خشم و اعمال خشونت فراهم آورد.

فلسفه مشورت کردن استفاده از دانش دیگران است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بهترین کسانی که شما با آنها مشورت می‌کنید صاحبان خرد و علم و صاحبان تجربه هستند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۸۷). انسان از خواست‌ها و تمایلات کسانی که با آنها مشورت می‌کند، باخبر می‌شود و این قضیه به حفظ آرامش فضای خانواده کمک شایانی می‌کند. اینکه دانسته شود سایر اعضا و مهم‌تر از همه زن خانواده به چه چیزهایی علاقه دارد و تصمیم‌ها از سر محبت به او در آن راستا گرفته شود، هم از تنش‌های زندگی می‌کاهد و هم روح امید و عشق در زندگی را زنده نگه می‌دارد. وقتی مرد خانواده از علایق و سلیق همسرش آگاه می‌شود زمینه تشنج در فضای خانواده کم شده و خشم و عصبانیت از طرف زوجین کمتر بروز پیدا می‌کند.

خصوصی، در اسلام این گونه تعریف می‌شود: خلوت و امور پنهانی افراد که ورود و یا هرگونه دخالت و تعرض به آن برای دیگران ممنوع است (متوادی، ۱۳۹۷). این محدودیت بدین جهت است که با دخالت در حریم خصوصی زندگی فرزندان فقط باعث اختلاف بیشتر بین آنها می‌شوند و این اختلاف‌ها منجر به اعمال خشونت و عصبانیت بین آنها می‌شود. پس به مشورت دادن به آنها بسنده کرده باعث رنجش و اختلاف و خشونت بین زن و شوهر نشوند.

۴-۹. الگوگیری از گروه‌های مرجع دینی

از دیگر عواملی که می‌تواند در پیشگیری از خشونت‌های خانوادگی کارآمد باشد، توجه گروه‌های مرجع دینی و الگوگیری از آنان است. گروه مرجع بر افرادی اطلاق می‌شود که مردم خود و رفتار خود را با آنها ارزیابی می‌کنند (کافی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶). مصداق روشن گروه‌های مرجع در دین اسلام، پیشوایان دینی هستند. توجه به سیره معصومان و پیشوایان دین از این جهت حائز اهمیت است که ایشان به عنوان جلوه‌های نور خداوند همواره بارزترین افراد جهت الگوگیری از ایشان در مسیر انتخاب زندگی صواب هستند.

آنچه از مرور روایات در زمینه خانواده فهمیده شود این است که: در آموزه‌های اسلامی نوعی طرفداری اصولی نسبت به زنان و دختران شده است. به گونه‌ای که هم در رفتار بزرگان دین و هم در توصیه‌های آنان توجهی بی‌بدیل و زیبا به نحوه رفتار یا جنس زن شده است. چنانچه در *وسائل الشیعه*، بابی را تحت عنوان «باب استحباب زیاده الرقة علی الاناث» اختصاص می‌یابد. رسول خدا ﷺ فرمودند: «جبرئیل پیوسته مرا درباره زن سفارش می‌کرد تا جایی که گمان بردم طلاق او جایز نیست، مگر در صورت زشتکاری آشکار» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳). این روایت به خوبی روشن می‌کند که در سیره و سبک زندگی پیامبر اکرم ﷺ تندخویی و خشونت در رفتار با زنان و وجود نداشته؛ چراکه اولین کسی که شایسته عمل به دستورات الهی است، خود ایشان است. در نقلی از امام حسین ﷺ است که در جواب اعتراض برخی افراد به وضع زندگی ایشان که با منش ساده‌زیستی‌شان منافات دارد، می‌فرمودند: «ما وقتی ازدواج می‌کنیم، پس مهریه آنان را می‌پردازیم و آنان بر اساس سلیقه خویش آنچه را که دوست دارند می‌خرند و ما در این مسئله دخالتی نداریم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴۷۶). این روایت هم

رفع مشکل می‌پردازد. شوهران دسته اول (خشنود از زندگی زناشویی) بیش از دیگر شوهران آشتی‌پذیرند، ولی شوهران دسته دوم (همسرانی که دارای مشکلاتی هستند و با اجبار ازدواج کرده‌اند)، غالباً به ناسزاگویی پرداخته و توجهی به سخنان طرف مقابل ندارند (مصلحتی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰).

جوانان باید بدانند گاهی اوقات عشق موجب کوری آنها نسبت به عیوب طرف مقابل می‌شود که به راهنمایی و مشاوره دلسوزانه پدر و مادر نیازمندند. نه پدران و مادران به تنهایی حق دارند عقیده خود را در انتخاب همسر بر جوانان تحمیل نمایند، و نه صلاح جوانان است که به تنهایی دست به این کار مهم بزنند. پدر و مادر و خود فرد در کنار هم برای آغاز زندگی مشترک باید تصمیم‌گیری کنند.

۴-۸. توجه به حریم خصوصی افراد و دخالت نکردن

خانواده‌ها در تعامل با مسائل زندگی خانوادگی فرزندان خود دو دسته‌اند: بعضی با علم و آگاهی و در جایگاه یک مشاور امین، تنها بر اساس وظایف خود و بدون سوگیری‌های خانوادگی، در طول زندگی در کنار زوج‌های جوان هستند. در این نوع راهنمایی است که زوجین در کنار هم احساس غرور و اعتماد به نفس می‌کنند. در مقابل این تفکر بعضی خانواده‌ها برای رسیدن به آنچه از ازدواج فرزندان به دنبال آن هستند، زندگی آنان را به میدانی برای تحمیل خواسته‌های خود به زندگی تبدیل می‌کنند. در اینجا چه والدین پسر و چه والدین دختر هر کدام بیشتر از این نوع دخالت‌ها داشته باشند، طرف دیگر زندگی مشترک باید با سختی‌های بیشتری زندگی را طی کند و در صورت مقابله به مثل، زندگی پیوسته میدان تقابل پدران و مادران برای تحت فشار قرار دادن فرزندان خواهد شد.

بنابراین استفاده از تجربه‌ها و علم بزرگترها برای حل مشکلات خانوادگی امری ضروری و عقلانی است، اما این فرایند نباید سبب‌ساز مداخله‌های بی‌مورد در مسائل خانوادگی فرزندان بشود؛ زیرا دخالت‌های نابجا و سوگیری‌های غرض‌ورزانه می‌تواند در به خشم آوردن طرف دیگر و در نهایت خشونت‌ورزی او تأثیرگذار باشد.

زوج‌های جوان باید این واقعیت را بپذیرند که درباره تهدیدها و مشکلات زندگی مشترک اطلاع کافی ندارند و نمی‌توانند به‌سادگی راه دور کردن آسیب‌ها را پیدا کنند. پدر و مادرها نیز باید بدانند در حین مشورت دادن به زوج‌های جوان وارد حریم خصوصی آنها نشوند. حریم

نشان از رفتار مسالمت‌آمیز و مهربان امام (ع) در تعامل با همسرشان است؛ بدون اینکه بر او سخت بگیرد یا خشونت کرده و با کارش مخالفت کند.

بنابراین می‌توان از روش عملی و توصیه‌های معصومان (ع) چنین نتیجه بگیریم که هیچ بهانه‌ای برای اعمال خشونت در خانه و خانواده نیست، و باید فضای زندگی خانوادگی را با صفا و صمیمیت و حاکمیت مودت و مهربانی آراسته کرد. از سوی دیگر، چون قرآن کریم الگوی ما را فردی معرفی می‌کند (احزاب: ۲۱) که در سبک زندگی وی توسل به خشونت به چشم نمی‌خورد، بلکه در مقابل به آموزه‌هایی مواجه می‌شویم که توسل به خشونت نسبت به افراد دیگر را هم به شدت منع می‌نماید. برای نمونه، می‌فرماید: «من در شگفتم از کسی که زن خود را می‌زند؛ درحالی‌که خودش برای کتک خوردن، سزاوارتر است! زنان را نزدیک که قصاص دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹، ح ۲۳۸).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار کوشیدیم عوامل اجتماعی - فرهنگی خشونت بین زوجین و راهکارهای دینی مقابله با آن را مورد بررسی قرار دهیم. یافته‌ها بیانگر آن است که علل اصلی ایجاد این گونه خشونت عبارت از: فقر و بیکاری، ازدواج تحمیلی، دخالت اطرافیان، عدم آشنایی با مهارت‌های زندگی زناشویی، یادگیری رفتار خشونت‌آمیز و باورهای نادرست درباره نقش‌های جنسیتی بود. در سویه مقابله با این عوامل نیز با تکیه بر آموزه‌های دینی به راهکارهایی اشاره کردیم.

با این‌همه اما شاید بتوان گفت علت اصلی خشونت‌های خانوادگی، نداشتن مهارت کافی برای اداره زندگی مشترک است و این نشان از وظیفه سنگینی دارد که بر عهده پدر و مادر، مدارس، دانشگاه‌ها، مؤلفان کتب درسی، روحانیان، اساتید دانشگاه، مبلغان، مساجد و سایر نهادهای فرهنگی جامعه دارد که مهارت‌های ورود به یک زندگی مشترک را قبل از آغاز آن به جوانان یاد داده تا بتوانند در ضمن زندگی مشترک از آنها استفاده کنند.

منابع.....

- ابراهیمی، ابوالفضل و ، مسعود (۱۳۸۷). رابطه مهارت‌های ارتباطی و رضایت زناشویی. *روان‌شناسی و دین*، ۲ (۱)، ۱۶۵-۱۴۷.
- ابن‌براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). *المهذب*. تصحیح جمعی از محققان. قم: جامعه مدرسین.
- اعزاز، شهلا (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی و خشونت اجتماعی* (مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران). تهران: آگاه.
- بستان، حسین و دهقان‌نژاد، رضا (۱۳۹۶). نگاهی مجدد به خشونت علیه زنان از منظر قرآن. *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ۲۸ (۸)، ۱۰۰-۷۷.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. چ دوم. قم: دار الکتاب الاسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). *وسائل الشیعه*. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسین‌زاده، علی (۱۳۸۹). نقش قناعت در زندگی انسان. *معرفت اخلاقی*، ۴ (۱)، ۱۳۵-۱۱۵.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- رشیدرضا، محمد (۱۳۷۳ق). *تفسیر المنار*. قاهره: دارالمنار.
- رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۶). *اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات*. قم: مسجد مقدس جمکران.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۸). تبیین علل و زمینه‌های خشونت خانگی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۴ (۳)، ۴۱-۷.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۷). *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*. تهران: سمت.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۹). *خشونت خانگی علیه زنان: بررسی، علل و درمان با نگرش به منابع اسلامی*. قم: هاجر.
- سالاری‌فر، محمدرضا و تیبیک، محمدتقی (۱۳۹۰). *مقابله با خشونت خانوادگی علیه زنان*. قم: هاجر.
- سجادی، شهناز (۱۳۹۵). *سکوت زنان در برابر خشونت، عامل جری‌تر شدن مردان (مصاحبه)*. در: isna.ir
- سربازیان، مجید و برزگر، غلامرضا (۱۳۹۶). معیار تعیین نفقه در فقه امامیه و حقوق مدنی. *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۱ (۹)، ۲۷۵-۲۰۴.
- سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). *آسیب‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: سمت.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷). *الخصال*. چ ششم. تهران: کتابچی.
- صلیبا، جمیل (۱۴۰۷ق). *فرهنگ فلسفی*. ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی. قم: حکمت.
- عبدی‌پور، اکرم (۱۳۷۹). *پرخاشگری در خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق*. تهران: منصوری.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۷ق). *المحجۃ البیضاء*. قم: جامعه مدرسین.
- قنبرپور، معصومه و شریفی، طاهره (۱۳۹۷). راهکارهای مقابله با خشونت علیه زنان در خانواده با تکیه بر آیات و روایات. *حسن الحدیث*، ۱۳۳ (۳)، ۱۰۶-۱۰۵.
- کافی، مجید (۱۳۸۵). *مبانی جامعه‌شناسی*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). *الکافی*. قم: دارالحدیث.
- کوفی، محمد بن محمد اشعث (۱۴۰۵ق). *الجعفریات - الأئشیات*. تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹). *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ترجمه علی مرشدیزاد*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متوادی، حامد (۱۳۹۷). *مفهوم‌شناسی حریم خصوصی انسان در قرآن و حدیث*. *دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث*، ۱ (۲)، ۲۳-۹.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار/انوار*. ط. الثالثة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محدث نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: مؤسسه آل‌البیت.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*. قم: دارالحدیث.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مصلحتی، حسین (۱۳۷۹). *ازدواج و ازدواج‌درمانی*. چ دوم. تهران: البرز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *مجموعه آثار*. چ یازدهم. تهران: صدرا.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۳۴ق). *تحریرالوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نازپرور، بشیر (۱۳۷۶). *بررسی موارد همسرآزاری فیزیکی در مراکز پزشکی قانونی تهران*. رساله دکتری. تهران: کتابخانه مرکزی پزشکی قانونی.
- هاشمی‌نسب، لیلا (۱۳۸۵). *بررسی شیوع، پیامدها و عوامل مرتبط با خشونت فیزیکی خانگی در زنان باردار در شهر سمنان*. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۴ (۱۱)، ۴۱-۳۲.